

کلاس دانش آموز محور

محسن توده رنجبر

دکتری پژوهشگری علوم اجتماعی ، تهران ، ایران

فاطمه عراقی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی ، تهران ، ایران

چکیده

اکثر مربیان موافق هستند که ایجاد یک کلاس درس دانش آموز-محور این روزها بیش از یک رویکرد جدید لوکس یا ابتکاری برای تدریس، به یک ضرورت و هنجار تبدیل شده است. کلاس درس سنتی که در آن دانش آموزان آرام و بادقت روی صندلی های خود می نشینند و معلم مقادیر زیادی دانش را در مغز اسفنج مانند آنها می ریزد، به پایان رسیده است. کلاس درس دانش آموز محور یا محیط یادگیری دانش آموز محور، جایی است که تمرکز آموزش از معلم به دانش آموز منتقل می شود. هدف نهایی این روش، پرورش دانش آموزان مستقل است و این هدف با قرار دادن مسئولیت یادگیری در دست دانش آموزان حاصل می شود. بسیاری از طرفداران یادگیری دانش آموز محور استدلال می کنند که این یکی از موثرترین راهها برای کمک به دانش آموزان برای توسعه مهارت های مورد نیاز خود برای حل مسئله و یادگیری مادام العمر است.

واژگان کلیدی: روش تدریس؛ کلاس دانش آموز محور؛ آموزش و پرورش

مقدمه :

در طول تاریخ تعلیم و تربیت، دو طرز تفکر وجود داشته که سبب تدوین و انتخاب راهکارهای اساسی شده است:

۱- ذهن انسان مانند یک لوح سفید است، و تمام تلاش فرایند تدریس، صرف پر کردن یک جعبه خالی است. روشهای تدریس مورد استفاده از نوع سنتی، غیرفعال و یک سویه است.

۲- ذهن انسان فعال است و می تواند در مقابل اعمال و محرکات واکنش نشان دهد. بنابراین، معلمان باید سعی کنند ذهن فراگیران را تحریک کنند تا تفکر پویای آنان در جریان آموزش، مشارکتی فعالانه داشته باشد. در زمینه ای این تفکر، امروزه مسائل جدیدی در گستره ای آموزش و یادگیری مدنظر است که به اختصار به آن اشاره می شود:

- کلاس درس به قایقی شباهت دارد که سرنشینان آن در جستجوی ساحل اند. به این سبب، همه ی افرادی که در این قایق هستند، باید موتورهای حرکتی خود را روشن کنند تا مسیر حرکت و سرعت آن قابل قبول باشد.
 - باید موتورهای خودراهبری دانش آموزان فعال شود.
- کلاس درس دانش آموز محور نتیجه این طرز تفکر می باشد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

یاددهی - یادگیری به شیوه ی دانش آموزان

پیش از این، معلم بود که نحوه ی تدریس را مشخص می کرد ولی امروزه، نظر بر آن است که روش تدریس باید با نحوه ی یادگیری فرد آموزنده همخوان باشد. سالهاست که معلمان متوجه شده اند دانش آموزان در کلاس هایی که به شیوه سنتی اداره می شوند به اندازه ی توانایی شان یاد نمی گیرند. دانش آموز با انجام دادن یاد می گیرد و اگر خودش به کشف چیزی برسد بیشتر یاد خواهد گرفت.

یادگیری تغییر رفتاری است که از طریق تجربه (تاثیر متقابل فرد بر محیط و محیط بر فرد) در انسان ایجاد می شود و مشتمل بر مهارت های ذهنی، فیزیکی و طرز تفکر است .

یادگیری تزریق اطلاعات و دانش ها و اقدامی یک سویه از طرف معلم نیست، بلکه فعالیت آگاهانه و تلاش فکری دو سویه مربی و متربی است. اصل بر فعال بودن متربی است که خود باید به جستجو بپردازد و در اثر تعامل با دیگران، به درک و فهم علوم نایل آید (آقازاده، ۱۳۹۳).

دانش آموزان چگونه یاد می گیرند؟

- مشارکت فعال

یادگیری، مستلزم مشارکت فعال و سازنده ی یادگیرنده است. یادگیری در مدرسه، مستلزم توجه، مشاهده، یادسپاری، فهمیدن، تنظیم هدف ها و مسئولیت پذیری دانش آموزان است. چنین فعالیت های شناختی بدون مشارکت و درگیری فعال یادگیرنده امکان پذیر نیست. در کلاس درس ایجاد محیط یادگیری چالش انگیز که دانش آموزان را برای مشارکت فعال ترغیب کند، یکی از وظایف معلمان است.

• مشارکت اجتماعی

یادگیری اساساً یک فعالیت اجتماعی است و مشارکت در محیطی اجتماعی نظیر مدرسه زیر بنای یادگیری است. تحقیقات نشان داده است همکاری سبب رشد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و ارتقا سطح یادگیری از طریق تعامل می گردد.

• فعالیت معنادار

افراد زمانی بهتر می آموزند که بتوانند در فعالیت هایی شرکت کنند که از نظر فرهنگی مناسبند و برای زندگی واقعی سودمند انگاشته می شوند. بسیاری از فعالیت های مدرسه ای معنادار نیستند، زیرا دانش آموزان نه فقط دلیل انجام آنها را نمی دانند، بلکه از هدف و سودمندی آنها هم آگاهی ندارند. در کلاس درس معلمان می توانند فعالیت های کلاسی را از طریق انجام آنها در بستری عینی معنادار سازند (دوج، ۱۳۸۵).

ویژگی های روش تدریس فعال (دانش آموز محور)

معلمی که با انجام کار گروهی در کلاس با ارائه ی؛ روش پرسشگری، روش حل مسأله، درگیر کردن فراگیران با مسأله، دوری از شیوه کهنه ی سخنرانی در تدریس، دانش آموزان را در امر فرایند یاددهی - یادگیری مشارکت می دهد، بدون شک به نتایج سودمند و رضایت بخشی دست می یابد. در این پروسه ی نو، مقوله ی آموزش، انتقال دانش و مفاهیم کارایی و کاربرد کمتری دارد و بیشتر به پروسه ی تولید دانش توجه می گردد. این فرایند،

- امکان شناخت موقعیت ها
 - گزینش راهکارهای مناسب
 - استنباط تحلیل دقیق موضوع
 - و در نهایت کشف حقیقت را برای شاگردان فراهم می آورد. شاگردان در علم تولید شده سهیم می گردند و با کمال میل از آن پشتیبانی می کنند و به کاربرد علوم ایمان و اعتقاد پیدا می کنند.
- در این جریان، یادگیری در همه ی جهات (مهارت ذهنی، مهارت های فیزیکی و طرز تفکر) اتفاق می افتد. پس جا دارد تمامی معلمان، ویژگی ها و خصوصیات روش تدریس و جریان یاددهی - یادگیری فعال و مشارکتی را بدانند و برای اشراف و دستیابی به آنها اهتمام لازم را به عمل آورند.

پس دو قسمت؛ «کار در گروه های کوچک» و «بحث همگانی در گروه ها و در کلاس» از مهمترین ویژگیهای کلاس دانش آموز محور است. دانش آموزان یاد می گیرند در گروه های کوچک به کارهای خود نظارت داشته باشند و آن را ارزیابی

کنند و همکاری مشارکتی آنان با سایر اعضای گروه، باعث تقویت ذهنی آن ها و کار کردن با افراد با توانایی های متفاوت می شود.

جمع آوری نظرهای گروه های کوچک و ارائه آن به کل کلاس همراه با بحث همگانی صورت می گیرد و باعث می شود تا با تنوع روش های حل مسأله روبرو شوند و در مورد انتخاب راه حل یا راه حل های درست تصمیم گیری کنند.

فعالیت گروهی مانع خسته شدن دانش آموزان در کلاس می شود و مشارکت آن ها در حل تمرین افزایش می یابد و اضطراب آنها در مواقع امتحان کاهش و اعتماد به نفس آن ها افزایش می یابد.

- یادگیری در روش های فعال تدریس بر پایه ی اکتشاف و استقرار است و لذا در این روش ها چگونه یاد گرفتن مهمتر از یاد گرفتن است.
- در روش های تعاملی دانش آموزان روش یاد گرفتن را نیز یاد می گیرند. وقتی دانش آموز بتواند آنچه را فرا گرفته برای دیگران نیز توضیح دهد یادگیری او بسیار بیشتر از زمانی است که از طریق گوش دادن یا خواندن اتفاق افتاده است. به علاوه مهارت های مهم زندگی مانند صحبت کردن، گوش دادن، استدلال و حل مسأله از طریق تجارب تعاملی تقویت می شود (فضلی خانی، ۱۳۸۵).

۱۰ مزیت نظام دانش آموز محور

در سیستم آموزشی دانش آموز محور بیشترین تمرکز روی نیازهای تک تک دانش آموزان است. در این مدل آموزشی معلم باید نخست زمینه آموزشی منحصر به فرد هر یک از دانش آموزان را درک کرده و پیشرفت دانش آموز را در جهت اهداف آموزشی خاص ارزیابی کند. هدف مدل آموزشی دانش آموز محور ایجاد محیطی انعطاف پذیر و فردی برای دانش آموزان است.

- نقش آموزگار تغییر می کند
- دیگر معلم آن شخصیتی نیست که در مقابل دانش آموزان بایستد و دانش را به آنها انتقال دهد. در این سیستم آموزشی معلم همانند یک معمار آموزشی عمل می کند که فرایند آموزش را تسهیل می کند.

- دانش آموزان مسئول آموزش خویش می شوند
- آموزگار و دانش آموز باهم همکاری می کنند و از گذر همین همکاری درباره فعالیتهای ترم و مدل ارزیابی آن تصمیم می گیرند. وظیفه دانش آموز این است که به تصمیماتی که توسط خود او و آموزگارش گرفته شده است، پایبند باشد و آنها را تا مقصد نهایی دنبال کند.

- کلاس درس دانش آموز محور به جای محتوا روی پروسه های یادگیری مرکزیت دارد
- اینها مهارت های فراشناختی هستند که دانش آموز می تواند آنها را در هر سناریوی آموزشی به کار ببرد. دانش آموزان در محیط های آموزشی جدید احتمال یادگیری بالاتری را دارند.

- دانش آموز دیگر ظرف منفعلی نیست که معلم آن را با دانش پر کند، بلکه بخش فعالی از فرایند آموزشی را تشکیل می دهد و ممکن است حتی در تدریس همکلاسی های خویش همکاری داشته باشد.
- کلاس درس دانش آموز محور روی مهارت های فکری منظم تر تاکید دارد، همچون توانایی قضاوت و یا ارزیابی دانش آموزانی که این مهارت ها را به طور کامل فرا می گیرند اطلاعات جدید را بهتر و سریع تر دریافت کرده و در شرایط مختلف به کار می بندند.
- علاوه بر ایجاد یک پایگاه اطلاعاتی قوی در خود، اینگونه دانش آموزان مهارت های یادگیری و خودآگاهی را در خود پرورش می دهند از آنجایی که آنها باید در کنار معلمان خویش در تصمیم گیری شرکت کنند باید توجه بالایی داشته باشند که چگونه و از چه راهی بهتر یاد می گیرند، نقاط قوت و ضعف خود را ارزیابی کنند و براساس آن پیش روند.
- دانش آموزان مهارت های حمایت از خود را یاد می گیرند آنها باید نیازهای خود را به طور منظم بیان و اظهار کنند. این بدان معناست که آنها نه تنها در بیان خود پیشرفت می کنند بلکه یاد می گیرند که به صورت مناسب و موثر با طیف وسیعی از مردم ارتباط برقرار کنند، از قشر دانش آموز گرفته تا معلم.
- دانش آموزان دلسرد و بی میل برای شرکت در آموزش خویش انگیزه بیشتری را دارند، زیرا سهم آنها در این فرایند کاملاً مشخص است این گونه دانش آموزان می توانند در مسیر آموزشی قرار گیرند که برای آنها جالب و ثمربخش است و در نتیجه برای یادگیری مشتاق تر می شوند.
- کلاس های درس دانش آموز محور سیستم نهادینه ای دارند که به لطف آن می توانند سبک های مختلف یادگیری و چالش های خاص را با خود انطباق دهند. کلاس درس دانش آموز محور برنامه متناسب برای هر دانش آموز را ارائه می دهد. لذا نیازهای خاص و یا ناتوانی های یادگیری خاص می توانند به صورت یکپارچه و موثر مورد توجه واقع شوند.
- تک تک دانش آموزان در کلاس درس دانش آموز محور احساس می کنند که مهم هستند، زیرا عقاید و نقطه نظرهای آنها بخش جدایی ناپذیر تجربیات کلاس آنها است. این جنبه از محیط دانش محور برای نوجوانانی که مشکل داشته است (مویس و رینولدز، ۱۳۸۴).

کلاس درس دانش آموز محور چیست؟

همه‌ی ما علاقه مند هستیم که برای دانش آموزان مان فضایی آموزشی درست کنیم که تجارب یادگیری آنها غنی شود و از آنها دانش آموزی علاقه مند بسازیم و در آنها ایجاد انگیزه کنیم. همه ما دوست داریم که دانش آموزان میل زیادی به یادگیری داشته باشند و یادگیری موجب پر بار شدن و مسئولیت پذیری و خلق دانش در آنها شود و این زمانی بر آورده می شود

دانش آموزان درگیر یادگیری باشند و دانش را پردازش کنند نه این که فقط اطلاعات را شنیده و یا حفظ کنند. آنها باید بتوانند با آگاهی راه حل یا راه حل هایی برای حل مساله ها بیابند. در یک کلاس سنتی دانش آموز تشویق می شود که به درس گوش فرا دهد و با گوش دادن یاد بگیرد اما حفظ کردن حقایق هیچ گاه موجب یادگیری نمی شود. پیازه معتقد است که: «وقتی مطلبی را به کودکی یاد می دهیم، لذت کشف کردن را از وی دریغ می کنیم.»

در روشهای فعال معلم به دانش آموز نشان می دهد که اشتباه و انجام راه های غلط امری عادیست و دانش آموز تشویق می شود که دوباره سعی کند و علت رسیدن به جواب های نادرست را پیدا کند. به قول جرج پولیا: «این دانش آموز است که باید با تلاش درونی، علم را از درون خود به پا کند» اگر یادگیری برای دانش آموز همراه با فعالیت و کشف باشد و با ایجاد گروه های کوچک به تفاوت های فردی دانش آموزان توجه شود باعث افزایش توانایی استدلال و کشف پاسخ می شود.

یادگیری در روش های فعال تدریس بر پایه ی اکتشاف و استقرار است و لذا در این روش ها چگونه یادگرفتن مهمتر از یادگرفتن است. در روش های تعاملی دانش آموزان روش یادگرفتن را نیز یاد می گیرند. وقتی دانش آموز بتواند آنچه را فراگرفته برای دیگران نیز توضیح دهد یادگیری او بسیار بیشتر از زمانی است که از طریق گوش دادن یا خواندن اتفاق افتاده است. به علاوه مهارت های مهم زندگی مانند صحبت کردن، گوش دادن، استدلال و حل مساله از طریق تجارب تعاملی تقویت می شود.

اکثر مربیان موافق هستند که ایجاد یک کلاس درس دانش آموز محور این روزها بیش از یک رویکرد جدید لوکس یا ابتکاری برای تدریس، به یک ضرورت و هنجار تبدیل شده است. کلاس درس سنتی که در آن دانش آموزان آرام و با دقت روی صندلی های خود می نشینند و معلم مقادیر زیادی دانش را در مغز اسفنج مانند آن ها می ریزد، به پایان رسیده است.

فرقی نمی کند معلم مهدکودک یا دبیر دبیرستان باشید، ایجاد یک محیط یادگیری دانش آموز محور به دانش آموزان شما کمک می کند تا یادگیرندگان مستقلی شوند که در نهایت مسئولیت آموزش خود را بر عهده خواهند گرفت. دانش آموزانی کنجکاو و مشتاق برای یادگیری و مایل به انجام هر کاری که برای موفقیت لازم است.

کلاس درس دانش آموز محور یا محیط یادگیری دانش آموز محور، جایی است که تمرکز آموزش از معلم به دانش آموز منتقل می شود. هدف نهایی این روش، پرورش دانش آموزان مستقل است و این هدف با قرار دادن مسئولیت یادگیری در دست دانش آموزان حاصل می شود. بسیاری از طرفداران یادگیری دانش آموز محور استدلال می کنند که این یکی از موثرترین راه ها برای کمک به دانش آموزان برای توسعه ی مهارت های مورد نیاز خود برای حل مسئله و یادگیری مادام العمر است.

در محیط سنتی «یادگیری معلم محور»، معلم مرکز تجربه‌ی یادگیری است و نقش «فعال» تدریس را بر عهده می‌گیرد، در حالی که دانش‌آموزان نقش «انفعالی» یا پذیرنده‌تری را به عهده می‌گیرند. در مقابل، در محیط یادگیری دانش‌آموز محور، علایق دانش‌آموزان در کانون توجه قرار می‌گیرد و معلم به دانش‌آموزان حق انتخاب و حرف زدن می‌دهد. در کلاس درس دانش‌آموز محور، دانش‌آموزان نقش «فعال» تری در تجربه‌ی آموزش ایفا می‌کنند (فنی‌مور، ۱۳۸۱).

ساختار کلاس دانش آموز محور

کلاس دانش آموز محور با موضوعی که معلم مطرح می‌کند آغاز می‌شود و معلم موضوع را به بحث می‌گذارد. دانش‌آموزان با افکار بکر و تازه‌ای در مورد موضوع مطرح شده، آشنا می‌شوند و گروه‌ها در مورد مساله‌ی به بحث گذاشته شده و راه‌های رسیدن به پاسخ سوالات تحقیق می‌کنند.

مساله‌ها پایه‌های فعالیت را تشکیل می‌دهند و هدف از آنها تامین امکاناتی جهت تفکرآموزی است. فعالیت به عنوان ماده‌ی اولیه‌ی موقعیت‌های یادگیری مطرح می‌شود. مدل سازی و فعالیت ریاضی مسلماً به عنوان یک فعالیت فکری، اهمیت دارد. دانش‌آموز باید بتواند معنایی برای پرسش‌هایی که از خود می‌کند بیابد و آنچه را که می‌داند (تعریف‌ها، نتیجه‌ها، تکنیک‌ها و اثبات‌ها و...) را در حل مساله‌ها به کار برد.

سوال مهمی که برای معلم پیش می‌آید این است که با انجام فعالیت‌های زمان‌بر چگونه می‌توان راه حل‌هایی برای مساله‌ای یافت که هنوز در درس مطرح نشده است؟ معلم در کلاس دائم با دانش‌آموزان در تماس است و از آزادی نسبی در انتخاب استراتژی و روش اداره‌ی کلاس برخوردار است اما از دانش لازم در مورد چگونگی رخداد یادگیری برخوردار نیست. زیرا در طول سالیان به روش تدریس سنتی عادت کرده و علی‌رغم تغییر دانش‌آموزان و بعضی از کتاب‌ها هم چنان به شیوه‌های قبلی تدریس می‌کند. یک رویکرد یادگیری که به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد در به دست آوردن دانش خود نقش داشته باشند قرار گرفتن در آموزش ریاضی از طریق فعالیت‌ها و حل مساله می‌باشد.

زمان تدریس در مدارس محدود و حل مساله نیازمند زمان است. در مرحله جستجو وقتی دانش‌آموز درگیر فعالیت فکری واقعی است و یا در مرحله‌ی اعتباربخشی یعنی زمانی که دانش‌آموز نظراتش را به بحث می‌گذارد و نتایجش را مقایسه می‌کند به زمانی نیاز است که با چند دقیقه این امور میسر نمی‌شود. بنابراین معلم باید تعادلی بین وقت صرف شده (اما واجب) جهت انجام فعالیت دانش‌آموزان برای به دست آوردن معنای مفاهیم و رشد علمی‌شان و برای فعالیت‌های الگوریتمی ایجاد کند.

شناسایی فعالیت مناسب از جانب معلم بسیار اهمیت دارد. زیرا باید با دقت بتواند بین فعالیت‌هایی که به فعالیت فکر سوق داده می‌شوند و فعالیت‌های صرفاً سرگرم کننده تفاوت قائل شود و انجام فعالیت باید تسهیل کننده‌ی آموزش باشد.

رعایت نکات زیر می تواند باعث غنی شدن یک فعالیت شود:

- در شروع برای همه قابل دسترس باشد
- قابلیت تعمیم داشته باشد
- دانش آموزان را درگیر مشاهده، فرضیه سازی، توضیح دادن، ثابت کردن، رد کردن و تفسیر کند
- بحث ها، نیروی ابتکار و خلاقیت آن ها را ارتقاء ببخشد
- به همکاری تشویقشان کند و برایشان لذت بخش باشد
- چالش برانگیز باشد (مبارز طلب باشد)
- به طور شایسته ای از تکنولوژی استفاده شود
- به زندگی واقعی دانش آموزان مربوط شود
- از مدل سازی استفاده شود (فنیمر، ۱۳۸۱).

کلاس دانش آموز محور چه ویژگی هایی دارد

کلاس دانش آموز محور یا تدریس دانش آموز محور، عبارت جدیدی نیست بلکه مدتهاست که معلم ها به این نتیجه رسیده اند که دانش آموزان در کلاس هایی که روش سنتی دارند به اندازه کافی یاد نمی گیرند. پس بهتر است دانش آموزان در مرکز فرایند یادگیری قرار گیرند. در این صورت مسئولیت یادگیری به عهده ی خود دانش آموز یا زبان آموز است.

در این مدل کلاس ها، معلم همچنان یک نقش راهبردی و مهم را به عهده دارد هرچند نقش معلم و دانش آموز در فرایند یاددهی و یادگیری یک اندازه است. هدف اصلی معلم در این روش تدریس فعال، راهنمایی دانش آموزان به سوی یادگیری است.

- دانش آموزان و معلم به یک اندازه کار می کنند.

در کلاس های معمولی و سنتی، معلم همه ی کارها را به عهده دارد، سوال پرسیدن، اضافه کردن توضیحات به پاسخ ها، مثال زدن، آماده کردن ذهن دانش آموزان برای شروع درس، مرور کردن و ... اما در کلاس دانش آموز محور، برخی از این وظایف به عهده ی دانش آموز است.

- دانش آموزان از هم کلاسی ها یاد می گیرند.

دانش آموزان با هم و از هم یاد می گیرند. البته معلم هم دانش کافی را دارد و مهارت ها و دانش خود را در اختیار دانش آموزان قرار می دهد.

- دانش آموزان درگیر فعالیت ها و یادگیری فعال هستند.

معلم کنجکاوی دانش آموز را برانگیخته و به آنها فرصت می دهد پاسخ سوال های خودشان را پیدا کنند.

- دانش آموزان آموخته های خود را در زندگی واقعی استفاده می کنند.

تمرکز این روش تدریس فعال بر مهارت‌هایی است که در زندگی واقعی استفاده می‌شوند. در این صورت دانش آموزان انگیزه‌ی کافی برای شرکت در فعالیت ها و یادگیری بیشتر را دارند.

- دانش آموزان به موقع بازخوردهای مناسب می گیرند.
- یکی دیگر از ویژگی های کلاس دانش آموز محور این است که بعد از انجام فعالیت های مختلف در کلاس، نتایج در گروه ها به بحث گذاشته می شود تا دانش آموزان نتایج را با هم مقایسه کرده و نظر بدهند.

- دانش آموزان در تدریس نقش دارند.
- اگر دانش آموزان به اندازه کافی خلاق باشند، خودشان روش شروع کلاس یا یک موضوع خاص را پیشنهاد می دهند. معرفی موضوع درس بعهده ی معلم تنها نیست.

- دانش آموزان با هم ارتباط زیادی دارند.
- این روش تدریس فعال باعث می شود دانش آموزان موضوع درس را معرفی کرده، با هم کار کنند و به هم فیدبک بدهند. در نتیجه به مقدار زیادی با هم در ارتباط هستند.

- دانش آموزان می‌دانند دارند چه یاد می‌گیرند و چرا.
- در این نوع کلاس، معلم بطور کامل توضیح می دهد که در آخر کلاس از دانش آموزان انتظار دارد چه چیزی را یاد گرفته باشند. بنابراین همه می دانند هدف کلاس و چیست.

- دانش آموزان از تکنولوژی استفاده می کنند.
- دانش آموزان برای انجام فعالیت ها و پروژه های خود از تکنولوژی به ویژه گوشی های موبایل استفاده می کنند. استفاده از تکنولوژی می تواند یک انگیزه ی قوی برای زبان آموزان خصوصاً نوجوانان باشد. به علاوه یکی از ارزانترین و سریعترین راه های یادگیری استفاده از اینترنت است.

- دانش آموزان بیشتر از هر کلاسی مشغول یادگیری هستند.
- دانش آموزان در این روش تدریس فعال، در کلاس راه می روند و با همکلاسی ها صحبت می کنند، در گروه ها با هم بحث و تبادل نظر می کنند و پروژه ها و فعالیت های کلاسی را با دوستان خود انجام می‌دهند. پس زمان زیادی از کلاس را صرف تعامل با دیگران می کنند.

- فراگیرندگان روش های یادگیری را می دانند. در حقیقت دانش آموزان در جریان آموزش، خود به برنامه ریزی و اجرا و ارزش یابی می پردازند و در این میان نقش معلم، تسهیل یادگیری و راهنمایی شاگردان است.
- بیشتر فعالیت ها به صورت گروهی است و فعالیت فرد در گروه معنا پیدا می کند.
- دانش آموز و معلم هر دو مسئول یادگیری هستند. و منابع و امکانات آموزشی، با راهنمایی معلم و تلاش دانش آموزان، انتخاب یا تولید می شود.
- مهارت هایی چون اندیشیدن، حل مسئله، تفکر و خلاقیت اهمیت ویژه دارد.
- انگیزه ی درونی دانش آموزان بسیار زیاد است، زیرا آنان خود شریک و بنیانگذار فعالیت ها هستند.

- زمینه های کاربردی و کاربرست علوم شناسایی می شود.
- مهارت های اجتماعی و ارتباطی افراد افزایش می یابد.
- بر اعتماد به نفس و حس مسئولیت پذیری فراگیرندگان افزوده می شود.
- روحیه ی جستجوگری و تفحص در افراد تقویت می شود.
- ارزشیابی از عملکرد به صورت فرآیندی است و نتیجه و پایان مسئله مورد نظر نیست.
- فضای کلاس به یک کارگاه عملی تبدیل می شود.
- مهارت های کلامی دانش آموزان تقویت می شود.
- دانش های نظری، به نحو مطلوب با واقعیت ها و روی دادهای عملی در خارج از مدرسه مرتبط می شود.
- ذهن فراگیران فعال و سیال می شود.
- کلاس درس، محل ایجاد فرصت های یادگیری و تبادل تجربیات می شود.
- ارزشیابی از عملکرد دانش آموزان، از طریق واگذاری پروژه های عملی و تحقیقی و آزمون های هنجاری انجام می شود.
- تشویق و ترغیب دانش آموزان به صورت انفرادی و گروهی است.
- در فرآیند آموزش و تدریس، دانش آموزان با سوالات زیادی روبه رو می شوند، برای سوالات ایجاد شده فرضیه سازی و آنها را بر اساس روش های مناسب بررسی می کنند.
- معلم شرایط یادگیری را فراهم می آورد.
- فرآیند تدریس سرشار از شور و شوق و همراه با تفریح است.
- عادت به تفکر دقیق و حساسیت نشان دادن به استدلال منطقی را تقویت می کند.
- سبب گسترش سازوکارهای یادگیری فراگیرندگان می شود (راههای متعدد چگونه یاد گرفتن)
- مهارت های فراشناختی مانند خودآغازگری، خودمشاهده گری و خودقضاوتی تقویت می شود.
- قابلیت قرار گرفتن در نقش (موقعیت) دیگران و درک و فهم دیدگاه های آنان تقویت می گردد. (فنیمر، ۱۳۸۱).

چگونه یک کلاس درس دانش آموز محور تشکیل دهیم

متأسفانه، ایجاد یک محیط یادگیری دانش آموز محور همیشه آسان نیست. برای بسیاری، ایجاد یک محیط یادگیری دانش آموز محور از نظر تئوری عالی به نظر می رسد، اما عملی کردن آن داستان متفاوتی است. در زیر برخی از استراتژی ها و نکات اثبات شده ای را ارائه می کنیم که می تواند محیط یادگیری دانش آموز محور را در کلاس درس شما به واقعیت تبدیل کند و به موفقیت برساند.

- کلاس درس خود را به یک جامعه تبدیل کنید
- در یک کلاس درس سنتی، معلم صحبت می کند و دانش آموزان گوش می دهند. در یک کلاس درس دانش آموز محور، دانش آموزان صحبت می کنند، معلم گوش می دهد، مداخله می کند، در صورت نیاز گفت و گو را تسهیل می کند و سپس از

مشارکت دانش آموزان تشکر می کند. با مشارکت مستقیم دانش آموزان در فرآیند آموزش و با توانمند ساختن آن ها برای تعامل با یکدیگر، دانش آموزان احساس می کنند که در یک اجتماع هستند. مهم تر از آن، به آن ها نشان داده می شود که آنچه احساس می کنند، آنچه برایش ارزش قائل هستند و آنچه به آن فکر می کنند، بیشترین اهمیت را دارد. در کلاس درس دانش آموز محور، معلم نه به عنوان آموزش دهنده، بلکه به عنوان تسهیل کننده و فعال کننده عمل می کند.

• اعتماد و ارتباط را در کلاس درس افزایش دهید

یک کلاس درس یا محیط آموزشی دانش آموز محور بدون اعتماد و ارتباطات باز، نمی تواند وجود داشته باشد. اعتماد و ارتباط آزاد با همیشه منصف بودن با دانش آموزان، گوش دادن به آن ها و اجازه دادن به آن ها برای صحبت، به دست می آید. اگر بلافاصله در ابتدای سال شروع به کار کنید، ایجاد یک کلاس درس دانش آموز محور بسیار آسان تر است.

در آغاز هر سال تحصیلی جدید، از دانش آموزان خود بپرسید که دوست دارند کلاس درسشان در طول سال چگونه باشد و چه عملکردی داشته باشد؟ از آن ها بپرسید آیا قوانینی وجود دارد که برای اطمینان از اینکه تجربه ی کلاس انتظارات آن ها را برآورده کند، وضع شوند؟ به دانش آموزان ۱۵ دقیقه فرصت دهید تا بین خود بحث کنند و سپس پیشنهادات خود را روی تخته بنویسند. از قوانینی که دانش آموزان مطرح خواهند کرد، تعجب می کنید. همانطور که تخته با ایده ها و پیشنهادات آن ها پر می شود، متوجه خواهید شد که برخی از موضوعات مشترک ظاهر می شوند - دانش آموزان شما می خواهند شنیده شوند، دیده شوند، به آن ها ارزش داده شود و مورد احترام قرار بگیرند.

این تمرین و تمرین های مشابهی که می توان در طول سال انجام داد، برای دانش آموزان روشن می کند که آنچه می گویند اهمیت دارد و شما برای نظرات آن ها ارزش قائل هستید.

• راه هایی برای استفاده از فناوری بیابید

ایجاد یک کلاس درس با محوریت دانش آموز تماماً متکی به مشارکت است. هرچه بهتر بتوانید دانش آموزان را در هر فعالیت یا پروژه ای درگیر کنید، آن ها در فرآیند یادگیری مشارکت بیشتری خواهند داشت. در دنیای امروز، فناوری یکی از موثرترین ابزار برای جذب دانش آموزان است. فناوری آینده نیست، حال است. همه ی کارهایی که بچه ها این روزها انجام می دهند، حول محور فناوری می چرخد، به ویژه فناوری تلفن های هوشمند. به دانش آموزان اجازه دهید و از آن ها دعوت کنید تا از ابزار وب رایگان برای ارائه، سرپرستی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات استفاده کنند. وقتی به دانش آموزان این فرصت داده می شود که ابزارهای وب و فناوری موجود را در فرآیند یادگیری ادغام کنند، آن ها شرکت کنندگانی مشتاق برای انجام فعالیت های آموزشی می شوند.

سامانه ی مدیریت آموزشی تراز می تواند تسهیل گر بهره بردن معلم ها و مدیران خلاق از فناوری های روز برای آموزش و ارتباط با دانش آموزان و اولیای آن ها باشد. استفاده از امکانات این سامانه، دریچه ی تازه ای رو به امکانات پیشرفته ی آموزش آنلاین، آزمون های تحلیلی با قابلیت درک نقاط ضعف دانش آموزان و صدها امکان دیگر، باز می کند.

• برای هدایت دانش آموزان، احترام متقابل و کشف دانش را جایگزین قوانین کنید

کلاس بدون قوانین کمی دور از ذهن به نظر می رسد. البته هنگامی اینطور به نظر می رسد که بخواهید یک کلاس درس معلم محور داشته باشید که در آن دانش آموزان نیمی از زمان خود را صرف یادگیری می کنند و نیمی دیگر را در تلاش هستند که حوصله شان سر نرود. بنابراین کلید رویکرد «بدون قانون» چیست؟ مشارکت! اگر فعالیت ها را جذاب نگه دارید، رفتار دانش آموزان به ندرت مشکل ساز خواهد شد. داشتن یک محیط کلاس درس جذاب با پروژه های جذاب، فعالیت های جذاب و بحث های جذاب، احترام متقابل را تقویت می کند و در چنین فضایی احتمال بدرفتاری دانش آموزان خیلی اندک است.

• تکالیف را با فعالیت های یادگیری مبتنی بر پروژه جایگزین کنید

برخی مطالعات نشان می دهند که بین انجام تکالیف و کسب نمرات بهتر در آزمون ها همبستگی مثبت وجود دارد، در حالی که مطالعات دیگر همبستگی کمی را نشان می دهند. با این حال، کل فرضیه این مطالعات بر این فرض استوار است که بررسی نمرات آزمون، معیار دقیقی برای سنجش پیشرفت تحصیلی و یادگیری است. در کلاس معلم محور، یادگیری و بهره وری دانش آموز در کلاس کمتر است، همین باعث می شود انجام تکالیف درسی ضروری تر و گرفتن آزمون به طور منظم برای اندازه گیری سطح یادگیری و عملکرد دانش آموزان ضروری باشد.

در کلاس دانش آموز محور که انجام فعالیت ها و پروژه ها در کلاس یکی از ارکان اساسی است، دانش آموزان برای یادگیری بسیار مشتاق تر می شوند و بهره وری در کلاس بسیار بالاتر است. در یک محیط آموزشی دانش آموز محور، دانش آموزان کارهای مدرسه را در خارج از کلاس درس هم انجام می دهند چون می خواهند پروژه هایی را که در داخل کلاس روی آن ها کار می کنند، تکمیل کنند.

در حال حاضر در دنیا بسیاری از معلم ها از یادگیری مبتنی بر پروژه (پی.بی.ال) برای آموزش استانداردهای ریاضی، علوم، فناوری و سایر موضوعات اصلی به دانش آموزان خود و افزایش بهره وری دانش آموزان و اثربخشی یادگیری در کلاس استفاده می کنند.

یادگیری مبتنی بر پروژه دقیقاً چیست؟

یادگیری مبتنی بر پروژه (پی.بی.ال) به طور خلاصه، یادگیری از طریق شناسایی برنامه های دنیای واقعی و توسعه راه حل های دنیای واقعی است. یادگیری مبتنی بر پروژه نه تنها زمانی که به درستی اجرا شود بسیار جذاب است، بلکه دانش آموزان در طول انجام پروژه بسیار می آموزند. یادگیری مبتنی بر پروژه به شدت به فناوری متکی است، پروژه ها توسط ابزارهای وب تعاملی هدایت می شوند و راه حل ها با استفاده از رویکردهای چند رسانه ای ارائه می شوند.

زمانی که یادگیری پروژه محور به طور موثر اجرا شود، می تواند جایگزین نیاز به تکالیف خارج از کلاس شود و یادگیری در کلاس مولدتر می شود (کوپر و مورفی، ۱۴۰۱).

• به دانش آموزان اجازه دهید در تصمیم گیری سهیم باشند

ایجاد یک کلاس درس دانش آموز محور نیاز به همکاری دارد. این امر مستلزم قرار دادن دانش آموزان در مرکز محیط آموزشی خود است که با اجازه دادن به آن ها در تصمیم گیری در مورد چرایی، چیستی و چگونگی شکل گیری تجربه ی یادگیری حاصل می شود.

قبل از اینکه دانش آموزان مایل به سرمایه گذاری در راه تلاش ذهنی، عاطفی و جسمی مورد نیاز یادگیری واقعی باشند، باید بدانند چرا آنچه می آموزند با زندگی، خواسته ها و نیازهای آن ها مرتبط است. اینکه به دانش آموزان بگوییم آن ها باید یک مطلب را مطالعه کنند «زیرا برای کسب معدل خوب لازم است» یا «آن ها باید آن را بدانند تا وارد دانشگاه شوند» دلیل ارتباط را از دیدگاه دانش آموزان مشخص نمی کند. چنین توضیحاتی منجر به عملکرد ضعیف، انگیزه ی پایین و یادگیری ضعیف می شود.

دانش آموزان باید در انتخاب محتوای مورد استفاده برای آموزش مهارت ها و مفاهیم سهیم باشند. آنچه در یک کلاس درس دانش آموز محور تدریس و آموخته می شود تابعی از علایق دانش آموزان می شود و شامل نظرات دانش آموزان و همکاری معلم و دانش آموز هستند. برای مثال، زمانی که دانش آموزان درباره ی تاریخ کشور می آموزند، ممکن است تصمیم بگیرند که یک نمایش کلاسی ترتیب بدهند که هر دانش آموز در آن نقش یک شخصیت تاریخی را ایفا می کند و این انتخاب به نوشتن گزارش یا کتاب شناسی سنتی برای یادگیری تاریخ ترجیح داده شود. در مثالی که ذکر شد، نه تنها دانش آموزان مالکیت فرآیند یادگیری را به دست می گیرند، بلکه همه دانش آموزان از تصمیمات سایر دانش آموزان بهره مند می شوند.

«چگونگی» در یک محیط یادگیری دانش آموز محور به همان اندازه مهم است که «چرایی» و «چیستی». دانش آموزان اطلاعات را پردازش می کنند، درک می کنند و به روش های مختلف یاد می گیرند. ارائه ی حق انتخاب نحوه ی یادگیری به دانش آموزان این امکان را می دهد تا آن روش یادگیری ای را انتخاب کنند که راحت ترین و مؤثرترین روش برای آن ها است.

• به دانش آموزان فرصت رهبری بدهید

فراهم کردن فرصتی برای دانش آموزان برای رهبری در کلاس درس، راهی عالی برای ایجاد یک محیط یادگیری دانش آموز محور است که تعامل و رشد را تقویت می کند و دانش آموزان را قادر می سازد تا تجربه ی یادگیری را در اختیار بگیرند. هر روز به چند دانش آموز اجازه دهید تا هر کدام مسئولیت یک فعالیت فردی را بر عهده بگیرند، حتی اگر این فعالیت به مهارت های محتوایی فراتر از سطح دانش آموزان نیاز داشته باشد. سپس دانش آموزان را در نقش های رهبری قرار دهید تا هر دانش آموز فرصت رهبری یک فعالیت را پیدا کند. حتی می توانید روز قبل نقش رهبری یا فعالیتی را که آن ها رهبری خواهند کرد به هر دانش آموز معرفی کنید تا زمانی برای آماده شدن داشته باشند.

• دانش آموزان را در ارزیابی عملکرد خود مشارکت دهید

در یک کلاس درس سنتی، ارزیابی عملکرد و یادگیری به صورت مجموعه ای از اعداد، درصدها و نمرات توصیفی ارائه می شود که به صورت دوره ای در کارنامه ها ثبت می شود. اساس این نمره دهی ارزیابی فعالیت های دانش آموز و برگزاری آزمون های استاندارد است. این معیارها اطلاعات کمی در مورد آنچه دانش آموز در حال یادگیری آن است، نشان می دهد و بازخورد مفیدی برای دانش آموز فراهم نمی کند تا بتواند عملکرد خود را بهبود ببخشد و به تسلط دست یابد. محیط یادگیری

دانش آموز محور مبتنی بر نوعی بازخورد روایی است که دانش آموزان را تشویق می کند تا یادگیری را تا زمانی که نشان دهند در یک موضوع به تسلط دست یافته اند، ادامه دهند. این شکل از یادگیری، بازخورد و ارزشیابی، دانش آموزان را تشویق می کند تا تکالیف خود را مجدداً انجام بدهند و تا زمانی که به تسلط برسند، روی پروژه های خود کار کنند (میردريکوند، ۱۳۹۹).

نکات ضروری برای اجرای موثر روش های فعال و تعاملی

برای اجرای موثر روش های فعال و تعاملی ایجاد تغییرات اساسی در بینش و نگرش معلمان، مدیران، دانش آموزان و اولیای آن ها، محتوای کتاب های درسی و محیط آموزشی ضروری و لازم به نظر می رسد.

- فضای کلاس در ایجاد جو تعامل بسیار موثر است. فضای کلاس باید به گونه ای طراحی شود که موجب تسهیل تعامل شود. در کلاس هایی که معمولاً صندلی ها و نیمکت ها در یک صف و پشت سر هم قرار دارند و دانش آموزان قادر به دیدن هم کلاسی های خود نیستند، ایجاد فضای تعامل بسیار مشکل است. تقسیم کلاس به گروه های کوچک و آرایش دایره ای یا میزگردهای کوچک و یا نعلی شکل و تماس چهره به چهره نمونه هایی از آرایش کلاس درس است که باعث افزایش تعامل در کلاس می شود.
- علاوه بر ساختار فیزیکی، جو عاطفی کلاس باید به گونه ای باشد که به نظرات احترام گذاشته شود و دانش آموزان و معلم از تمسخر دیگران و طرد کردن آن ها اجتناب کنند.
- معلم باید تسهیل کننده فرایند یادگیری و مدیر یادگیری و مسئول سازماندهی محیط آموزشی باشد و نباید نظرات خود را به دانش آموزان تحمیل کند و با این کار باعث گسترش فرهنگ کثرت باوری می شود. تغییر ذهنیت فلسفی معلم یکی از پیش بایست های اساسی اجرای این روش ها می باشد، لذا معلمان باید از آموزش های لازم در خصوص چگونگی اجرای این روش ها برخوردار باشند.
- معلم باید خطر پذیر باشد و ترس از شکست نداشته باشد. شکست بخش ضروری و ثمر بخش فرایند نو آوری است. این همان سخن معروف آیزنهاور رییس جمهور سالیان گذشته ی آمریکا است که: «هیچ نومییدی تا به حال جنگی را نبرده است.» لذا معلم باید با دلسوزی و تحمل مشکلات، دشواری های به کارگیری این الگو در کلاس های درس خود را از بین ببرد.
- منابع آموزشی نباید به معلم و کتاب درسی و فعالیت های کلاسی محدود شود. هر منبع یا موقعیتی که بتواند تفکر و قدرت استدلال و قضاوت دانش آموزان را تقویت کند، می تواند مورد استفاده قرار گیرد.
- کثرت دانش آموزان در کلاس های درس و محدودیت زمان آموزش از جمله محدودیت های اجرایی الگوهای تعاملی است. برای گسترش استفاده از این الگوها باید مسئولین نظام آموزشی و برنامه ریزی درسی تعدیل هایی را در این زمینه ایجاد کنند.
- نظام ارزشیابی آموزشی و امتحانات کشوری با بکارگیری روش های ارزشیابی منطبق با روش های تعاملی زمینه ی استفاده ی هرچه بیشتر این الگو را در آموزش و تدریس فراهم آورد. (حائری زاده و محمدحسین، ۱۳۹۰)

راهکارهای خود راهبری دانش آموزان

در کلاس درسی دانش آموز محور برای این که دانش آموزان موتورهای خودرا هبری را روشن کنند و فعالانه در مسیر اهداف به حرکت در آیند، معلم باید راه کارهای مهم و اساسی زیر را در مورد آنها اعمال نماید:

▪ مهارت خود آغازگری

معلمان باید اجازه بدهند همه ی بچه ها فعالیت را شروع کنند. او به جای این که بگوید: «من این آزمایش را یا این درس را شروع می کنم، خوب گوش کنید تا یاد بگیرید»، باید بگوید: «بیاید این فعالیت را شروع کنیم. همه باید آن را تجربه کنیم و برای رسیدن به هدف ها بکوشیم.»

▪ مهارت خود مشاهده گری

در این راه کار، همه ی بچه ها باید به طور شخصی و گروهی، رخدادها و پدیده های آموزشی را تجربه کنند و مشاهدات دست اول داشته باشند تا بتوانند در جریان چالش های ایجاد شده، فهم و درک خود را افزایش دهند.

▪ مهارت خود کنترلی و خود قضاوتی

هرگاه معلم اجازه دهد دانش آموزان آغازگر باشند و خود فرآیندها را مشاهده کنند، باید اجازه دهد که خود آنان، اعمال خویش را کنترل و در مورد آنها قضاوت کنند.

▪ یادگیری وقتی به اوج می رسد که در متن یادگیری، از دانش آموزان بخواهیم در مورد مطالب چالش انگیز کار کنند.

▪ ما معلمان، باید بدانیم که «آموزگار دروس نیستیم، بلکه آموزگار دانش آموزانیم.» پس نباید خود را عرضه کننده ی اطلاعات بدانیم و باید یادگیری را تسهیل کنیم.

با عنایت به این موضوع که امروزه، یادگیری روی دادی اکتشافی تلقی می شود که از طریق مشارکت فعالانه ی معلم و دانش آموزان صورت می گیرد، ضرورت شناخت روابط فعالانه بین عوامل تدریس، اهمیت زیادی پیدا می کند.

در فرآیند کلاس دانش آموز محور، انتقال دانش و مفاهیم کارآیی کمتری دارد و بیشتر به فرآیند تولید دانش توجه می شود. این فرآیند امکان شناخت موقعیت ها، گزینش راهکارهای مناسب، استنباط، تحلیل دقیق موضوع و در نهایت کشف حقیقت را برای فراگیرندگان فراهم می آورد. به علاوه، فراگیرندگان خود را در بطن فرایند آموزشی می بینند، نقش راهبردی « اکتشافات مفاهیم و علوم » را درک می کنند، در علم تولید شده سهیم می گردند، با کمال میل به پشتیبانی از آن برمی خیزند و به کاربرد علوم ایمان و اعتقاد پیدا می کنند. در این جریان، یادگیری در همه ی ابعاد (مهارت های ذهنی، مهارت های فیزیکی و طرز تفکر) اتفاق می افتد (حسینی سهی و نارنجی ثانی، ۱۴۰۱).

علل عدم اجرای کلاس دانش آموز محور

عبارت کلاس دانش آموز محوری عبارت جدیدی نیست. سالهاست که معلمان متوجه شده اند دانش آموزان در کلاس هایی که به شیوه سنتی اداره می شوند به اندازه ی توانایی شان یاد نمی گیرند. دانش آموز با انجام دادن یاد می گیرد و اگر خودش به کشف چیزی برسد بیشتر یاد خواهد گرفت.

حال سوال این است که اگر معلمان به برتری این شیوه ی آموزشی نسبت به سایر شیوه ها آگاهی دارند پس چرا از این روش ها استفاده نمی کنند؟

پاسخ این سوال ممکن است عبارات زیر باشد:

- در گذشته مدیران به اهمیت این نوع آموزش پی نبرده بودند و دوست داشتند وقتی وارد کلاسی می شوند همه دانش آموزان ساکت سر جای خود نشسته و مشغول انجام فعالیت باشند و یا معلم در حال آموزش مطلبی به آنان باشد.
 - والدین تاثیر آموزش دانش آموز محوری را درک نکرده و بسیار نگرانند از این که مبادا وقت فرزندشان در مدرسه بیهوده تلف شود.
 - بعضی از معلمان علاقه ندارند وقت بیشتری را صرف دانش آموزان کنند و نمی دانند این روش چه قدر بر آموزش آن ها و دانش آموزان تاثیر می گذارد.
 - دانش آموزان با روش سنتی خوشحال و منفعل هستند و می توانند در حین تدریس به روش سنتی، آزادانه به هر موضوعی به جز درس نیز فکر کنند.
 - معلمان با این روش ها آشنا نیستند.
 - کلاس دانش آموز محور نیازمند صرف وقت زیادی می باشد.
- امروزه، بیش از هر زمانی، نظام تعلیم و تربیت به تغییر اندیشه ها و باور به پویایی مراکز آموزشی نیاز دارد و در این مسیر، معلمان و مدرسان از اولویت خاصی برخوردارند.

تفاوت های یادگیری انفعالی و معلم محور با یادگیری فعال

یکی از صاحب نظران عرصه ی تعلیم و تربیت در ارتباط با یادگیری انفعالی و معلم محور گفته است که یادگیری انفعالی، یادگیری شبیه به مدل بانکی است. دانش آموز طی یک نوبت به تدریج مطالب را در ذهن خود ذخیره می کند و همان ها را در امتحان پس می دهد. بنابراین بهترین نمره به کسی داده می شود که امانت های سپرده شده به صندوق حافظه را به طور کامل و بدون نقصان پس بدهد. معلم نوگرا و نواندیش فقط بر حافظه ی طوطی وار شاگردان متکی نمی باشد بلکه او بر یادگیری پایدار در فراگیران اصرار دارد.

یادگیری فعال آن نوع یادگیری است که دانش آموز خود در تولید مفهوم مشارکت دارد. در مقابل، یادگیری انفعالی قرار دادن دانش آموز در مقابل مفاهیم آماده و از پیش تولید شده ای است که انتظار می رود آنها را حفظ کند. در یادگیری فعال موضوع مهم آموختن مطالب همراه با درک و فهم آنهاست این نوع آموختن تنها از راه درگیر شدن مستقیم با موضوع و کسب تجربه های دست اول حاصل می شود. اما در یادگیری انفعالی، تاکید بر خواندن مطالب و حفظ کردن آنهاست. سقراط یکی از فیلسوفان است که اکنون بیش از خودش، روش او در آموزش و پرورش مشهور است. او همواره از طریق پرسش، جوانان را تعلیم می داد. روش او که بعدها توسط فیلسوفان دیگری چون هگل هم مورد پیروی قرار گرفت به نام

روش دیالکتیکی سقراط، شهرت دارد و آن روشی متکی بر پرسشگری است. سقراط عقیده داشت که معلمان و مربیان هرگز نباید جواب ها را به جوانان عرضه کنند بلکه باید آنها را وا دارند تا با تحمل رنج، تفکر و جستجو، خودشان پاسخ ها را در کنار و همراه با معلمان بزیانند. سقراط خود را قابله می نامید و می گفت که نباید علم را آموخت بلکه باید علم را به یاد آورد. او می گفت که معلمان باید بگذارند شاگردان خود مسأله ها را حل کند. شما مسئله را به شاگرد بدهید ولی این اجازه را بدهید که خودش آن را حل کند و نباید او فقط به گفته ی شما توجه کند پس باید خودش آن را در یابد. درست آن است که دانش آموز خودش راه حل را کشف نماید.

سقراط عقیده داشت که اگر شاگرد اشتباهی هم داشت ما نباید جواب را فوری به او بگوییم بلکه صبر کنیم تا خودش پی ببرد و برای رسیدن به جواب درست تلاش کند. گاهی سقراط را فیلسوف ایاب و ذهاب هم گفته اند چون او عادت داشت در خیابانها تردد کند و با افراد علاقمند و به ویژه جوانان، براساس روش خود به پرسش و پاسخ بپردازد. معلم برای بهره گیری از روش پرسش و پاسخ که یکی از روش های یادگیری فعال است از پرسش های تمرکز دهنده که توجه دانش آموزان را به موضوع فعالیت جلب می کند و پرسش های مقایسه ای که شاگردان را به مقایسه ی دو کمیت، دو چیز یا دو پدیده سوق می دهد و همچنین از پرسش ها ی فعالیت پذیر که شاگردان را به انجام دادن فعالیت دعوت می کند و آنان برای پاسخ دادن به این پرسش ها مجبور به انجام دادن فعالیتی هستند استفاده نماید.

بهترین نوع پرسش ها، پرسش های فعالیت طلب هستند. یعنی پرسش هایی که دانش آموزان را به انجام دادن فعالیتی برای پاسخ گویی و در نتیجه یادگیری فعال وا می دارند. برای آن که نظام آموزشی بتواند پاسخگوی تغییرات منبعث از تحولات عوامل گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی درونی خود و عوامل مؤثر بیرونی و تحولات جهانی پیرامون باشد.

نظام آموزشی احتیاج دارد تا بکوشد و زمینه ی اصلاحات آموزش و پرورش را که بطور مشخص تحول در دیدگاهها و جهت گیری های برنامه ی درسی و روش های آموزش است، بشناسد و ارتباط و تناسب بیشتری بین خود و زمینه های متحول دیگر چون زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه بر قرار کند (کرتی، ۱۳۹۱).

جمع بندی

به نظر می رسد زمان بکارگیری روش های معلم محور در دنیای آموزش به پایان رسیده است. در دنیای امروز به تفاوت های فردی میان دانش آموزان اهمیت داده می شود و بکارگیری یک روش ثابت برای تدریس به آن ها امر پسندیده ای تلقی نمی شود. اینکه معلم از تمام دانش آموزان بخواهد در سکوت فقط به حرف های او گوش بسپارند و مثل یک اسفنج اطلاعات را به سرعت به خود جذب کنند، دیگر جوابگوی نیازهای روز در زمینه ی آموزش نیست و به همین دلیل است که روانشناسان آموزش، امروزه روش های مختلف و متعددی برای تدریس به دانش آموزان ابداع کرده و توسعه داده اند.

یکی از رویکردهای جدید آموزش که در بسیاری از روش های تدریس نوین به کار گرفته می شود، رویکرد تشکیل کلاس های دانش آموز محور است. در این کلاس ها معلم نقش تسهیل گر را بر عهده می گیرد و فقط دانش آموزان را به سمت یادگیری مستقل هدایت می کند. در این شیوه استراتژی های مختلفی مانند ارزیابی جمعی، تأمل و گروه بندی مشارکتی مورد استفاده قرار می گیرند. معلم ها در این شیوه به تک تک یادگیرندگان آموزش می دهند و آن ها را راهنمایی می کنند تا عناصر کلیدی برای پیشرفت تحصیلی و ایجاد مهارت هایی مانند تاب آوری، استقلال، خلاقیت و همکاری در دانش آموزان شکل بگیرد.

• چگونه می توان از رویکرد دانش آموز محور در تدریس استفاده کرد؟

راه های زیادی برای ترکیب تکنیک های دانش آموز محور در کلاس وجود دارد، از جمله آن ها می توان به فراهم کردن امکان انتخاب و استقلال دانش آموزان در یادگیری، استفاده از تکنیک های سوال باز برای تقویت بحث، تفکر و یادگیری، تشویق به همکاری دانش آموزان، ایجاد پروژه های گروهی و تشویق دانش آموزان به تفکر اشاره کرد.

• چیدمان ظاهری یک کلاس درس دانش آموز محور چگونه است؟

کلاس های دانش آموز محور متناسب با مفهوم مشارکت و همکاری چیدمان شده اند، به این معنی که معمولاً ردیف هایی از میزها روبه روی میز سخنرانی یا میز معلم قرار ندارند. در عوض، میزها طوری چیده شده اند که همکاری در پروژه ها یا تجزیه و تحلیل مطالب (به جای گوش دادن به سخنرانی) برای دانش آموزان آسان باشد.

• معلم یک کلاس دانش آموز محور چگونه تدریس می کند؟

معلم یک کلاس دانش آموز محور به دانش آموزان اجازه می دهد در تصمیم گیری برای استفاده از روش های تدریس و موضوع درس مشارکت داشته باشند. چنین معلمی با ظرفیت دانش آموزان برای رهبری فعالیت های جمعی باور دارد و در فضایی صمیمانه به دانش آموزان خود احترام می گذارد و به آن ها ارزش می دهد.

امروزه اهمیت شیوه ی تدریس معلم و نحوه ی ارائه ی مفاهیم و مطالب به فراگیران بر کسی پوشیده نیست. معلمی که با انجام کار گروهی در کلاس با ارائه ی روش پرسشگری، روش حل مساله، درگیر ساختن فراگیران با مسأله و دوری از شیوه ی کهنه ی سخنرانی در تدریس، دانش آموزان را در امر فرایند یاددهی یادگیری مشارکت می دهد بدون شک به نتایج سودمند و رضایت بخشی دست می یابد.

جا دارد متولیان آموزش و پرورش با برنامه ریزی دقیق و کامل و بهره گیری از نتایج پژوهش های علمی و کمک از صاحب نظران و افراد خبره بر روند کار معلم، شیوه ی تدریس کلاسی و فرایند یاددهی او با ارزشیابی مستمر و مداوم نظارت داشته و با ایجاد زمینه ی برچیدن تدریس سنتی در کلاس این حق را برای شاگردان ایجاد نمایند تا آنان همگام با رشد سریع علم و تکنولوژی و عصر اطلاعات از قافله باز نمانند. این مهم نیاز به عزمی راسخ دارد. معلمان پیرو تدریس سنتی نیاز به آگاهی و تغییر نگرش دارند.

• نظام تعلیم و تربیت جهت تغییر نگرشی معلمان سنتی چه اقدام های عملی و کارساز تا به حال انجام داده است؟

باید اذعان کرد که در این زمینه اقدام های زیادی صورت گرفته است، برگزاری کلاس های آموزش ضمن خدمت، محوریت بحث و همایش های معلمان در شوراهای آموزشی و گروه های آموزشی، صدور شیوه نامه ها و درج مقاله ی فراوان در

مجله هایی همچون رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی، ماهنامه های تربیت، ماهنامه نگاه و ... همه در جهت ایجاد آگاهی و ضرورت امر از زاویه های گوناگون است که به مناسبت های گوناگون، راهنمایی ها و مطالب سودمندی را در این رابطه ارائه می دهند. اما اهمیت موضوع و وسعت کار، سرمایه گذاری و برنامه ریزی های بیشتر از این ها را طلب می نماید. اگر در این زمینه درنگ شود جبران آن مشکل است. ما وظیفه داریم ذهن دانش آموزان خود را تحریک کنیم که اندیشه ی پویای آنان در جریان آموزش، مشارکتی فعالانه داشته باشد متأسفانه در اغلب کلاس ها، این تنها معلم است که فعال به تمام معناست و دانش آموزان حالت انفعالی دارند. دیگر وضع نظام های آموزش و یادگیری با ورود فناوری ها و دانش های نو به حدی دستخوش دگرگونی و تغییر شده است که برای ارائه مطالب درسی، کاربرد شیوه های سنتی تدریس، در عرصه فعالیت های یاددهی - یادگیری جایگاهی ندارد. چنانچه دیدگاه معلمان پیرو شیوه های سنتی را تغییر دهیم، نتایج سودمندی به دست خواهیم آورد که نسل نوپای جامعه با الهام از آن موفق و کامیاب خواهد شد.

توصیه هایی به معلمان

طبق دستاوردهای جدید توصیه می شود که:

- معلمان اجازه بدهند همه ی فراگیران فعالیت را شروع کنند. معلم به جای اینکه بگوید من این آزمایش یا این درس را انجام می دهم یا شروع می کنم یا به جای این گفته که "بچه ها خوب گوش کنید" تا یاد بگیرید، باید بگوید بچه ها بیایید فعالیت را شروع کنیم همه باید آن را تجربه کنیم و برای رسیدن به هدف ها بکوشیم. همه ی شاگردان باید به طور شخصی و گروهی، رخدادها و پدیده های آموزشی را تجربه کنند و مشاهدات دست اول داشته باشند تا بتوانند در برابر چالش های ایجاد شده، فهم و درک خود را افزایش دهند،

برخی از معلمان وقایع و رویدادهایی را که مشاهده کرده اند برای بچه ها تعریف می کنند در حالی که این نوع ارتباط فراگیران را غیر فعال می کند. ما معلمان باید اجازه بدهیم دانش آموزان آغازگر باشند و خود فرایندها را مشاهده کنند. باید اجازه دهیم که آنان، اعمال خویش را کنترل و در مورد آن ها قضاوت کنند.

- در آموزش فعال و مشارکتی، تنها معلم حق ندارد دانش آموزان را ارزیابی کند، زیرا در روش مشارکتی، مهارت و توانایی کنترل خود، تقویت می شود. یادگیرندگان ظرفیت های ویژه ی خود را دارند و آنان مانند لیوان های خالی نمی باشند لذا ما وظیفه داریم این ظرفیت ها را به هم بزنیم تا بر اثر بحث و تبادل نظر، تجربه کسب کنیم و محتوای همدیگر را تقویت نماییم.

- ما معلمان، آموزگارهای دروس نیستیم بلکه آموزگار و معلم بچه ها هستیم ما عرضه کننده ی اطلاعات صرف نیستیم بلکه راهنما و تسهیل کننده ی یادگیری هستیم. یادگیری پدیده ای اکتشافی است که از طریق شرکت فعالانه معلم و شاگردان صورت می گیرد. کسب مهارت و تجربه به وسیله فرد یک رابطه ی دوسویه می باشد. در نتیجه در این پروسه ی نو مقوله ی آموزش انتقال دانش و مفاهیم کارایی و کاربرد کمتری دارد و بیشتر به پروسه ی تولید دانش توجه می گردد. این فرایند امکان شناخت موقعیت ها، گزینش راهکارهای مناسب، استنباط تحلیل دقیق موضوع و در نهایت کشف حقیقت

را برای شاگردان فراهم می آورد. شاگردان در علم تولید شده سهیم می گردند و با کمال میل از آن پشتیبانی می کنند و به کاربرد علوم ایمان و اعتقاد پیدا می کنند. در این جریان، یادگیری در همه ی جهات (مهارت های ذهنی، مهارت های فیزیکی و طرز تفکر) اتفاق می افتد. پس جا دارد تمامی معلمان، ویژگی ها و خصوصیات روش های تدریس و جریان یاددهی - یادگیری فعال و مشارکتی را بدانند و برای اشراف و دستیابی به آن ها اهتمام لازم را به عمل آورند.

منابع

- ۱- آقازاده، محرم، راهنمای روش های نوین تدریس بر پایه پژوهش های مغزمحوری، ساختگرایی، یادگیری از طریق همیاری، فراشناخت، تهران: انتشارات آییژ، چاپ هشتم، بهار ۱۳۹۳.
- ۲- حائری زاده، خیریه بیگم، محمدحسین، لیلی، ویژگی های معلم موثر، تهران: انتشارات قطره: منظومه خرد، چاپ ششم: فروردین ۱۳۹۰.
- ۳- حسینی سهری، مریم سادات، نارنجی ثانی، فاطمه، خود راهبری مقدمه ای بر اثربخشی یادگیری الکترونیکی در دوران کرونا، تهران: انتشارات سنجش و دانش، چاپ اول، ۱۴۰۱.
- ۴- دوج، مسعود، استراتژی تدریس: تدریس اثربخشی انتشارات تهران: سارگل، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۵- فضلی خانی، منوچهر، راهنمای عملی روش های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، انتشارات تهران: آزمون نوین، چاپ نهم، ۱۳۸۵.
- ۶- فنیمور، بناتریس اشنلر، مدیریت کلاس درس مبتنی بر دانش آموز محوری؛ ترجمه کیانوش هاشمیان، انتشارات تهران: دانشگاه الزهراء، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۷- کوپر، راس، مورفی، ارین، ترفندهای یادگیری پروژه محور: ۱۰ مرحله ساده یادگیری بر اساس پرسش و پاسخ در کلاس درس، ترجمه و تالیف ثریا باژن، سمانه کشمیری، زهرا رحمانی تبار، انتشارات تهران: جهاد دانشگاهی، واحد علامه طباطبائی، چاپ اول، ۱۴۰۱.
- ۸- کرتی، برایانت، یادگیری فعال، ترجمه فروغ تن ساز، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مدرسه برهان، چاپ هفتم، ۱۳۹۱.
- ۹- مویس، دانیل، رینولدز، دیوید؛ آموزش موثر: روش تدریس کارآمد، مترجمان محمدعلی بشارت، حمید شمسی پور، انتشارات تهران: رشد، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۱۰- میردیکوند، فیروز، یادگیری و روش های تدریس فعال، تهران: انتشارات آموزشی و پژوهشی بوعلی، چاپ اول، ۱۳۹۹.